



تاریخ
۲۶
مهر
۱۳۹۶
چهارشنبه

## ضرب‌المثل‌های جهان

### دیوانه آتش می‌افروزد

### و عاقل خاموش می‌کند

**انگلیسی**

صفحه
۵
شماره
۲۰۸۱
سال
بیست و سوم

### گزارش



### بعضی افراد از دست دادن با آن‌ها ابا دارند

صحبت‌هایش را با موضوع احترام به شغل خود شروع می‌کند: احترام گذاشتن به افرادی که نان حلال به دست می‌آورند بدون درنظر گرفتن شغل آن‌ها جزو حقوق اولیه هر انسانی است. وی از دلایل انتخاب این شغل می‌گوید: به دلیل مشکلات مالی، خانوادگی و سرپرست خانواده بودن بیش از ۱۸ سال در دارالرحمه شیراز مشغول فعالیت هستم و هفت فرزندم را با این کار سامان داده‌ام.

زارع با اشاره به خاطرات و ترس اولیه خود از شغل غسالی می‌گوید: زمان شروع کار بسیار از آن وحشت داشتم و حتی سدر و کافور را از همدیگر تشخیص نمی‌دادم، ولی به مرور زمان برایم عادی شد به گونه‌ای که اکنون دیگر از مرده نمی‌ترسم فقط رفتار برخی زنده‌ها آزارم می‌دهد.

او با ناراحتی از رفتار برخی از مردم نسبت به خودش حرف می‌زند و با نقل خاطره‌ای می‌گوید: روزی در حال غسل دادن جنازه یک خانم میانسال بودم که دستم به جوانی که بعداً فهمیدم فرزند آن خانم بود خوردم، علی‌رغم غیر عمدی بودن این ماجرا رفتار ناشایستی از سوی آن جوان سر زد و او ادعا کرد که نماز می‌خواند و با تماس دست من به بدن او، نجس شده است و آنجا بود که دلم واقعاً شکست!

این غسل زن باسابقه به وضعیت نه چندان مناسب مالی خود اشاره می‌کند و می‌گوید: از مسئولان تقاضا دارم با توجه به سختی کار و شرایط اجتماعی خاص این شغل به وضعیت معیشتی ما توجه بیشتری کنند.

او نیز که مانند همکاران خود هنگام مصاحبه هم دست از کار نمی‌کشد و مشغول آماده کردن مواد مورد نیاز برای غسالی است می‌گوید: به دلیل شرایط کاری، غمگینی این شغل و مجاورت همیشگی ما در کنار گریه و شیون مردم، اغلب شادی و نشاط بر روحیه من و همکاران تأثیری ندارد و به قول معروف دل‌مرده شده‌ایم.

**هیچکس نمی‌داند مرده شور هستم**

خانم ۴۱ ساله دیگری که در دارالرحمه شیراز مشغول غسالی است و تمایل نداشت نامش فاش شود و به گفته خودش تازه کار است از رفتار مردم و عکس‌العمل‌شان تا بدان حد ناراحت است که تاکنون شغل خود را مخفی کرده است.

او در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا می‌گوید: بیش از یک سال مشغول فعالیت در این شغل هستم و تنها به دلیل رفتار برخی افراد و نگاه‌های مردم تاکنون برای هیچکس شغل خود را فاش نکرده‌ام.

این خانم با اظهار این موضوع که به اطرافیان خود گفته که مشغول کار در شرکت بسته‌بندی است ادامه می‌دهد حرف مردم زیاد برایم اهمیت ندارد و تنها به این دلیل که در ازدواج و زندگی فرزندنام مشکلی ایجاد نشود، تاکنون حقیقت و شغل خود را مخفی نگه داشته‌ام.

او از ناملایمات زیاد گله دارد و می‌گوید: متأسفانه علی‌رغم اینکه شغل ما به لحاظ دینی جزو مشاغلی است که مستحب است و ثواب بسیاری دارد، برخی افراد با بی‌احترامی با ما برخورد می‌کنند؛ به گونه‌ای که کار ما در زندگی شخصی‌مان تأثیرات منفی زیادی دارد.

گفت‌وگو با اغلب غسل‌های دارالرحمه که بعد از چند روز آمد و رفت به این مکان تمام می‌شود وقت رفتن می‌رسد.

همان موقع جنازه جدیدی می‌رسد که یک خانم است که باید به قسمت مخصوص بانوان جنازه را تحویل دهند تا غسل‌های خانم برای شست‌وشو آماده‌اش کنند. دست به کار می‌شوند و می‌روند تا غسل را شروع کنند.

انگار نه انگار که مهر پایان بر یک زندگی می‌زنند.

مهر پایانی بر همه شادی‌ها و غم‌هایی که هر انسان در طول سال‌هایتمادی با خود به همراه دارد و در این بین با خودم فکر می‌کنم که دلیل این همه دوری چیست؟ دوری از آدم‌هایی که کاری می‌کنند کارستان، کاری که هیچ کدام از ما حاضر به انجام دادنش نیستیم و این انسان‌ها علی‌رغم همه ناملایمات نقش مهم‌شان را هر روز به خوبی ایفا می‌کنند. همین که بهترین حالت برای این کار ورود جسد سالم باشد نشان دهنده سختی این کار است.

از دارالرحمه خارج می‌شوم و صدای شیون و زاری تنها صدای ثابت محیط است. خارج می‌شوم و غسل‌ها می‌مانند و صاحبان جنازه‌ها، غسل‌هایی که همه سهم‌شان از این کار، غضب و دوری صاحبان جنازه‌ها از آنان است وحتی با غسلان دست هم نمی‌دهند.

#### آگهی احضار متهم

نظر به اینکه آقای محمد (صادق) عسکری فرزند اصغر از طرف این دادرسا تحت تعقیب می باشد و ابلاغ اوراق احضاریه به واسطه نامعلوم بودن محل اقامت او میسور نگردیده بدین وسیله در اجرای ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مراتب به نامبرده ابلاغ تا در شعبه چهارم دادرایی دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان کازرون به منظور پاسخگویی و دفاع از اتهام انتسابی حاضر گردد. در صورت عدم حضور پس از یک ماه از تاریخ انتشار آگهی اقدام قانونی معمول و به موجب مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ قانون یاد شده تصمیم غیابی اتخاذ می گردد.
۹/۲۷/م الف ۶/۱۳۵۰

#### دادیار شعبه چهارم دادرسی عمومی و انقلاب کازرون

#### آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضامن به خانم فاطمه فرهادپور

خواهان آقای دانیال صادقی دادخواستی به طرفیت خوانده خانم فاطمه فرهادپور و امراله ریسی به خواسته مطالبه مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۰۰۰۳۳۰۹۹۸۸۸۸۸۰۰۰۳۱ شعبه شانزدهم شورای حل اختلاف ویژه اپاترگران کازرون ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۸/۲۹ ساعت ۱۶ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی به علت مجهول‌ال‌مکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می گردد تا خانواده طرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمایم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.
۶/۱۳۵۳ م الف ۹/۲۳۷

#### شعبه شانزدهم شورای حل اختلاف ویژه اپاترگران کازرون

### آگهی برگ تشخیص و برگ قطعی (حقیقی)

نظر به اینکه نشانی مودیان اعلامی در جدول ذیل در دست نمی باشد در اجرای ماده ۲۰۸ ق.م.م مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ اوراق مالیاتی به شرح جدول ابلاغ می گردد، خواهشمندند است طبق قانون ظرف مدت سی روز از تاریخ درج آگهی در روزنامه به شرح جدول این آگهی جهت حل و فصل پرونده و تسویه حساب مالیاتی و پیگیری مراحل پرونده به واحد مالیاتی مربوطه به آدرس شیراز خیابان طالقانی اداره کل امور مالیاتی فارس تلفن ۳۲۲۲۲۲۲۹ مراجعه نمایید.

ردیف	نام و نام خانوادگی	واحد مالیاتی	عملکرد	منبع مالیاتی	مبلغ مورد مطالبه	نوع برگ	شماره برگ	مورخه	تاریخ مراجعه
۱	شرکت ظرفیف پیام	۸۸۰۲۱۲ بوشهر	۱۲۹۰	شرکتها	۲۸۴۵۲۰۳۰	تشخیص	۴۷۷۴۶	۹۶/۴/۳۱	۲۰روز از تاریخ درج آگهی

**روابط عمومی اداره کل امور مالیاتی فارس**

۲۵۵۲۰

۱/۱۶۶۵۵ م الف

#### آگهی

بدینوسیله به اطلاع عموم می رساند که شرکت توسعه و عمران حیات کازرون به شماره ثبت ۶۵۰ در حال تصفیه است. لذا هر شخصی هر ادعایی تحت هر عنوانی طلب یا اجرای تعهد توسط شرکت مذکور را دارد به اقامتگاه شرکت واقع در کازرون جاده جدید شیراز بعد از ترمینال مسافربری مراجعه و اسناد خود را تحویل نماید.
۶/۱۱۲۰ م الف ۹/۲۷

**دکتر حسن کرمی – مدیر تصفیه شرکت توسعه و عمران حیات کازرون در حال تصفیه**

#### آگهی مزایده اموال منقول

اجرای احکام حقوقی دادگستری کازرون به موجب محتویات پرونده ۹۶۰۳۹۲ اجرائی له نصراله موسوی، مسلم باسره، مسلم کاظمی و حسین محمدی به طرفیت محمدباقر الوانی و با تجویز از مواد مندرج در قانون اجرای احکام حقوقی مصوب سال ۱۳۵۶ و بنا به تقاضای محکوم له اموال توقیفی شامل ۱- ۱۵۰۰ کیسه نمک ۲۰ کیلویی به مبلغ ۴۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۲- تعداد ۲۱ بشکه رب گوجه فله ای ۲۰۰ کیلویی به مبلغ ۱۳۸/۶۰۰/۰۰۰ ریال ۳- تعداد ۵۷ کیسه پلاستیک مخصوص بشکه ۲۰ کیلویی به مبلغ ۶۴/۹۸۰/۰۰۰ ریال که از طرف کارشناس ارزیابی و جمعا به مبلغ ۲۴۸/۵۸۰/۰۰۰ ریال قیمت گذاری گردیده است را از طریق مزایده به فروش می رساند. لذا بدین وسیله به اطلاع عموم می‌رساند کسانی که مایل به خرید باشند روز سه شنبه ۱۳۹۶/۸/۲۳ ساعت ده صبح در این اجرا حاضر و قیمتهای پیشنهادی خود را ارایه نمایند. مزایده از قیمت پایه شروع و شخصی که بالاترین قیمت پیشنهادی را ارایه نماید برنده مزایده خواهد بود و موظف به پرداخت قیمت پیشنهادی در جلسه مزایده خواهد بود. مزایده با حضور نماینده دادستان برگزار خواهد شد محکوم له نیز می تواند مانند سایرین در خرید شرکت نماید. حضور متقاضیان در این جلسه آزاد می باشد و می توانند جهت اطلاع بیشتر از وضعیت وسایل مذکور تا پنج روز قبل از تاریخ فوق به این اجرا مراجعه نمایند. این آگهی به استناد ماده ۱۸۵ قانون اجرای احکام حقوقی برای نوبت اول در یکی از روزنامه های محلی درج و منتشر می-گردد.
۹/۲۳۱ م الف ۶/۱۳۴۸

**سرپرست اجرای احکام حقوقی دادگاه کازرون – روستا**

خبرگزاری ایرنا/ رضا زارع می‌گوید: بعضی از همشهریان رفتار خوبی با ما و شغل‌مان ندارند، فردی را در خاطرم هست که با وجود آن که پدرش را غسل دادم از دست دادن با من خودداری کرد.

رضا زارع جوان‌ترین غسل شیراز که حدود سه سال است این حرفه را برگزیده ضمن ابراز ناراحتی از رفتار بعضی از مردم نسبت به غسل‌ها ادامه داد: از رفتار برخی از شهروندان واقعا دلگیر هستم.

مشاغل شریف و جلالی هستند که مردم نسبت به آن‌ها دیدی متفاوت و گاه وحشتناک دارند. یکی از این مشاغل غسالی و به قول معروف مرده‌شوری است که علاوه بر مفید و ضروری بودن، جزو کارهایی است که در دین ما به آن تأکید و سفارش بسیار شده است.

غسالخانه دارالرحمه شیراز مکانی است که همه خاطرات تلخ و گاهی جانکاهی از آن دارند و اغلب با شنیدن اسم این مکان خاطرات تلخ، گریه، شیون، وداع با عزیز و ... را به یاد می‌آورند.

برای یکبار هم که شده اگر از زاویه دید غسال‌ها به این موضوع نگاه کنیم، درخواهیم یافت که آن‌ها با تمام این ناله و زاری‌ها خو گرفته‌اند و دارالرحمه و میت برای آن‌ها برعکس تمام مردم صرفاً تلخ نیست، بلکه شغل آن‌ها، راه کسب درآمد و منبع تأمین مایحتاج زندگی‌شان است.

برای آگاهی از جنبه‌های مختلف این حرفه و تبعات آن بر زندگی شخصی غسال‌ها خبرنگار ایرنا راهی دارالرحمه شیراز شد.

در طول مسیر تمام حواش به مصاحبه پیش رو بود و گاهی تصاویری از گذشته‌های دور و نزدیک از تشییع پیکر دوستان و آشنایان که به واسطه آن به این مکان رفته بود در ذهنش جرقه می‌زد و مرور می‌شد.

فضایی آغشته از غم و اندوه که گاهی شیون زنی افکار همه را پاره می‌کرد. گروهی روی نیمکت‌های مخصوص انتظار نشسته بودند که برخی از آن‌ها سردرگریان برده بودند و عده‌ای نیز خاطرات‌شان را با صدای بلند مرور می‌کردند در حالی که پنهانی صورت‌شان را اشک احاطه کرده بود.

در این میان رفتار و چهره یک مرد با دیگران متفاوت بود که با آرامشی عجیب درحال پاره کردن پارچه‌ای سفید بود.

**اگر نباشیم، نظم شهر به هم می‌خورد**

رضا زارع جوان‌ترین غسل شهر شیراز می‌گوید: بعضی مردم در این مکان جوری با ما رفتار می‌کنند که انگار ما مسئول مرگ عزیزان‌شان هستیم و در برخی موارد نیز همراهان جنازه همه کارشناس غسل میت می‌شوند و در کار ما دخالت می‌کنند که در برخی موارد نیز منجر به توهین و درگیری نیز شده است.

زارع از اهمیت این شغل برای شهر و لزوم بودن آن می‌گوید: اگر یک ساعت ما سه نفر در غسالخانه شیراز حضور نداشته باشیم در نظم عمومی شهر شیراز خلل بزرگی وارد خواهد شد؛ ولی هنوز بعضی از مردم از ما فرار می‌کنند؛ هر چند که عده زیادی نیز شغل ما را درک می‌کنند.

او به یکی از خاطراتش اشاره و می‌گوید یکی از همسایگان ما که بعد از فوت پدرش به واسطه غسل دادن جنازه شغل من را فهمیده بود، برخورد و رفتار او و خانواده‌اش با خانواده من و همسرم به طور کامل تغییر کرد و نهایتاً با خانواده من قطع رابطه کرد.

این غسل جوان با توجه به مشاهده انواع مختلف حوادث منجر به مرگ گفت: بعد از انتخاب این شغل به خداوند ایمان بیشتری آورده‌ام؛ چون انواع افراد را از نوزاد تا کهنسال غسل داده و پی بردم که گذر همه روزی به این مکان خواهد افتاد.

با خنده و شوخی می‌گوید: به هرحال گذر پوست به دباغ‌خانه می‌افتد.

رضا که در حین گفت‌وگو پارچه‌های کفنی را نیز پاره می‌کرد از شرایط سخت حضور در محل کار حرف می‌زند: در هر شرایط و مشکلی نمی‌توانم در محل کار خود حتی نیم ساعت با تأخیر حضور یابم؛ چون جز ما سه نفر غسل مرد دیگری در دارالرحمه شیراز وجود ندارد و با وجود این همه سختی کار به لحاظ فیزیکی و حتی بعد اجتماعی مشکلات معیشتی

و درآمدی بسیاری داریم، البته مشکل مالی برای غسال‌ها هم مانند سایر اقشار جامعه وجود دارد؛ ما تمام ایام هفته و سال نظیر جمعه، تعطیلات رسمی، عید، تاسوعا و عاشورا و خلاصه همیشه در محل کار حاضریم ولی حقوق‌مان پایین‌ترین میزان دریافتی اداره کار است که تا پایان سال ۹۵

کمتر از یک میلیون تومان بود.

**به مرده‌شوری افتخار می‌کنم**

رضا از علاقه‌مندی به شغل خود هم حرف‌هایی می‌زند: عاشق کارم هستم و روز اول با خودم کنار آمدم که یک مرده شور باشم و به هر انسانی که اینجا بیاید بدون در نظر گرفتن موقعیت و گذشته آن فرد خدمت خواهم کرد.

کار پاره کردن پارچه‌های کفن را که تمام می‌کند سراغ کافورها می‌رود و در عین حال از زیاد شدن فوت مردان جوان می‌گوید و از اینکه افراد مفید جامعه را که خدمت به انسان‌ها کرده‌اند غسل می‌دهد دلش به شدت می‌سوزد و شاید آه و حسرتی که هم‌زمان با غسل روح و روانش را فرا می‌گیرد تنها همین اوقات است.

**از زنده‌ها بیشتر باید ترسید**

اسماعیل رضایی پرسابقه‌ترین غسل شهر شیراز است. او هم مانند رضا از عادی شدن این کار و سوابقش حرف‌های زیادی دارد.

زمان صحبت کردن با اسماعیل که می‌رسد، خورشید به نیمه‌های آسمان رسیده و وقت غذا خوردن او شده و شیفث کاری‌اش را برای مدتی به رضا واگذار می‌کند و به همراه خبرنگار ایرنا به اتاقکی کوچک مجاور سالن غسالخانه می‌رود.

خبرنگار از او درباره سابقه‌اش می‌پرسد که اینگونه پاسخ می‌دهد: ۱۰ سال در غسالخانه شیراز و ۱۶ سال در بنیاد شهید شهرستان فسا خدمت کرده‌ام و در بنیاد نیز مسئول تشییع و تدفین پیکر شهدا بودم.

این غسل ۵۸ ساله می‌گوید: از جنازه نمی‌ترسم چون بعد از گذشت ۲۶ سال خدمت دریافتم که کم آزارترین افراد مردگان هستند و از زنده‌ها بیشتر باید ترسید.

اسماعیل که از نگاه جامعه به شغلش کاملاً آگاهی دارد معتقد است: دید بخش بیشتر جامعه نسبت به این شغل دید مثبتی است و گروهی که نگاه بدی به شغل ما دارند، اندک هستند.

«گاهی اوقات درگیری خانواده‌ها را در حین غسل دادن جنازه شاهد بودم‌ام که بر سر مشکلات خانوادگی و ارث و میراث بوده که بسیار متأثر شدم.»

به اینجا که می‌رسیم غذاخوردنش تمام می‌شود و همانطور که با آرامش سیگارش را روشن می‌کند به یاد خاطره‌ای از تدفین یکی از شهدا می‌افتد و می‌گوید: یکی از شهدای روستاهای اطراف فسا را کفن کردم که در این حین اتفاق جالبی افتاد و پدر ایشان بالای سر پسر شهیدش اذان گفت و بدون ریختن قطره‌ای اشک با لبخند بیان کرد که امانت خدا را به خدا پس دادم، این یکی از جالب‌ترین خاطرات من در طول این دوران است که در ذهنم حک شده و هرگاه بالای سر جنازه جگرگوشه‌ات اینگونه قوی مصمم و محکم حرف بزنی.

اسماعیل که در خانواده‌ای مذهبی و روحانی به دنیا آمده که درمراسم مذهبی نظیر تشییع و تدفین همیشه پیشگام بوده‌اند و به همین دلیل از قدیم